

## آینده کامل استمراری

**تعریف :** زمان آینده کامل استمراری دلالت بر انجام عملی می کند که از یک زمانی شروع شده و تا آینده به طور استمرار انجام گیرد.

**طرز ساخت در زبان فارسی :** اگر ( تا + قید زمان آینده ) را به همراه ( طول مدت زمان + است ) را به جملات زمان حال استمراری اضافه کنیم زمان آینده کامل استمراری بدست می آید. طبق فرمول زیر :

**(by)تا+ قید زمان آینده+ طول مدت زمان + (For) است + زمان حال استمراری ← آینده کامل استمراری**

**طرز ساخت در زبان انگلیسی :** برای ساختن زمان آینده کامل استمراری در زبان انگلیسی باید از فرمول زیر استفاده کرد .

**قید زمان آینده + by + طول مدت زمان + for + ing+ verb + will have been + Subject**

**مثال:** تا ساعت 8 دو ساعت است داریم درس می خوانیم .

We will have been studying for two hours by eight o'clock.

**مثال:** تا ماه آینده 10 سال است که داریم در تهران زندگی می کنیم .

We will have been living in tehran for ten years by next month.

**تغییرات :** کلیه تغییرات در زمان آینده کامل استمراری به عهده فعل کمکی Will می باشد.

**نشانه ها :** نشانه این زمان عبارتست از :

**By + قید زمان آینده**

## گذشته کامل استمراری

**تعریف :** این زمان دلالت بر انجام عملی می کند که از یک گذشته ای شروع و تا گذشته دیگر به صورت استمرار انجام گرفته باشد.

طرز ساختن در زبان فارسی : اگر طول مدت زمان به همراه کلمه "بود" را به جملات گذشته استمراری اضافه کنیم زمان گذشته کامل استمراری به دست می آید.

طول مدت زمان + ( For ) بود + گذشته استمراری ← گذشته کامل استمراری

طرز ساختن در زبان انگلیسی : برای ساختن زمان گذشته کامل استمراری در زبان انگلیسی باید از فرمول زیر استفاده کنیم.

فاعل + before/when + طول مدت زمان + Subject + had been + verb + ing + for

فعل گذشته ساده +

مثال:

1- وقتی که تو او مدی نیم ساعت بود که داشتم درس می دادم.

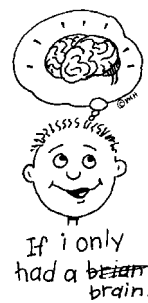
I had been teaching for half an hour when you came.

2- قبل از اینکه تو تلفن بزنی دو ساعت بود داشتم آشپزی می کردم.

I had been doing the cooking for two hours before you called.

**تغییرات :** کلیه تغییرات در زمان گذشته کامل استمراری به عهده فعل کمکی **had** می باشد.

**نشانه های این زمان :** نشانه های این زمان می تواند **before, when** باشد.



talkative :      پر حرف

crowded :      شلوغ

intelligent :      با هوش

taciturn :      کم حرف

ugly :      زشت

rich :      ثروتمند

considerable :      چشمگیر - قابل ملاحظه

## صفت adjective

صفت حالت و چگونگی اسم را توصیف می کند و در فارسی معمولاً بعد از اسم و در انگلیسی معمولاً قبل از

اسم به کار می رود. مثلاً:

careful student . دانش آموز دقیق

صفت می تواند به صورت یک یا دو یا چند کلمه قبل از اسم قرار گیرد، مثلاً

my new green book. کتاب سبز جدیدم

نکته: اگر صفت به بعد از اسم انتقال یابد و منتقل شود باید بلافاصله فعلهای ربطی زیر به کار رود.

صفت + to be + اسم

صفت + to get + اسم

صفت + to turn + اسم

صفت + to become + اسم

صفت + to grow + اسم

صفت + to make + اسم

این افعال که به معنی ( بودن - شدن - گشتن - گردیدن ) هستند جنبه فعل ربط دارند که به آنها link

verb می گویند که ربط یک صفت را به یک اسم می دهد مثل:

My father grew angry .

In spring the leaves turn green در بهار برگها سبز می شوند.

Today the weather got cold . امروز هوا سرد شد.

تذکر: البته فعلهای ربطی دیگر نیز وجود دارد که به معنی ( به نظر رسیدن هستند. ) .

صفت + Seem / Appear/ Look/ Sound/ Taste / Smell / Feel

تذکر : باید دانست که بعد از فعل های ربطی هیچگاه قید به کار نمی رود مثلاً:

he looks( ~~angrily~~ ) angry. او عصبانی به نظر می رسد .

the soup tastes ( ~~unusually~~ ) unusual. سوپ غیر طبیعی به نظر می رسد.

صفت به صورت جمع به کار نمی رود تنها دو صفت اشاره **this, that** با اسم بعد از خود در مفرد و جمع مطابقت می کند.

مثال:

This book → These books .

That book → Those books .

درجه صفات : صفات از نظر مقایسه دارای سه درجه مقایسه هستند . به شرح زیر :

1- درجه مطلق یا برابر : دو اسم را مقایسه می کنند و آنها را برابری شناسند مثلاً :

Helen is as tall as Susan. هلن هم قد سوزان است .

ساختمان این درجه از مقایسه بدین شرح است :

|        |     |    |
|--------|-----|----|
| as     | صفت | as |
| not so | صفت | as |

Hellen is as tall as Susan.

Hellen is not so tall as Susan.

2-درجه برتر یا ( تفضیلی ) : دو اسم را مقایسه می کند اما یکی را بهتر یا بدتر معرفی می کند.

مثلاً : علی از مهران بلند قدتر است .

کلمه از ترجمه می شود به ( **than** ) و برای ترجمه تر قاعده این است که کلیه صفات یک بخشی به آخرشان er اضافه می شود مثلاً:

Hellen is taller **than** Susan.

اما کلیه صفتیایی که شامل سه بخش به بالا هستند قبلشان ( more ) اضافه می شود.

مثلاً : My book is **more interesting than** yours .

برای صفتیهای دو بخشی بعداً تبصره خواهیم داشت.

3- صفات عالی یا درجه برترین : چند اسم را مقایسه می کند و از بین آنها یکی را به عنوان بهترین یا برترین

معرفی می کند مثلاً : هلن بلند قدترین دانش آموز کلاس است .

چون در این درجه اسم مشخص و معرفه می شود کاربرد حرف تعریف **the** ضروری است و برای ترجمه

پسوند (ترین) قاعده اینست که کلیه صفات یک بخشی به آخرشان est اضافه می شود مثلاً:

Hellen is **the tallest** student in the class .

و کلیه صفاتی که شامل سه بخش به بالا هستند قبلشان most به کار می رود مثلاً

My book is **the most interesting** book in the library.

تبصره : بین صفات دو بخشی آنهاییکه به حرف y ختم می شوند در تفضیلی er و در عالی est می گیرند .

happy → happier **than** → **the happiest**

busy → busier **than** → **the busiest**

اما صفات دو بخشی که آخرشان به y ختم نمی شود در تفضیلی more و در عالی most قبلشان اضافه می شود.

Active / **more active than** / **the most active**

Comic / **more comic than** / **the most comic**

صفات بی قاعده : چند صفت زیر در تفضیلی و عالی از قواعدی که تا کنون ذکر شد پیروی نمی کنند و بلکه

شکل خاص خود را دارند.

| مطلق                                                                                                          | تفضیلی                                                       | عالی                                                         |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------|
| good – well                                                                                                   | better than                                                  | the best                                                     |
| bad - ill                                                                                                     | worse than                                                   | the worst                                                    |
| much<br>many                                                                                                  | More than                                                    | the most                                                     |
| Little                                                                                                        | Less than                                                    | the least                                                    |
| old<br><div> <div>برای اعضای خانواده</div> <div>→</div> </div> <div> <div>فرد – شخص</div> <div>→</div> </div> | elder -----<br>older than                                    | the eldest<br>the oldest                                     |
| far<br><div> <div>فاصله</div> <div>→</div> </div> <div> <div>مقدار</div> <div>→</div> </div>                  | <div> <div>Farther than</div> <div>Further than</div> </div> | <div> <div>the farthest</div> <div>the furthest</div> </div> |

## The same as

**same :** برای نشان دادن هماهنگی و یکسانی همیشه بعد از حرف تعریف the به کار می رود و معنی (

همان - یک ) می دهد مثلاً :

Hellen and Jane live in the same street.

هلن و جین در یک خیابان زندگی می کنند .

**نکته گرامری :** در بعضی از کتابهای گرامری صفاتی را که آخرشان به ( er , re , le , ow ) ختم می شوند را

نیز مثل صفت‌های دو بخشی که آخرشان به y ختم می شود در تفضیلی و عالی er و est می دهد. اما همان

کتابهای گرامری بلافاصله ذکر می کنند که چنین صفاتی را می توان با more , most هم تفضیلی و عالی

کرد.

مطلق

تفضیلی

عالی

|         |                          |                         |
|---------|--------------------------|-------------------------|
| narrow  | <b>more narrow than</b>  | <b>the most narrow</b>  |
| narrow  | narrow <b>er than</b>    | <b>the narrowest</b>    |
| simple  | <b>more simple than</b>  | <b>the most simple</b>  |
| simple  | simpl <b>er than</b>     | <b>the simplest</b>     |
| clever  | <b>more clever than</b>  | <b>the most clever</b>  |
| clever  | clever <b>er than</b>    | <b>the cleverest</b>    |
| obscure | <b>more obscure than</b> | <b>the most obscure</b> |
| obscure | obscur <b>er than</b>    | <b>the obscurest</b>    |

قواعد املائی مربوط به صفت :

1- در صفت‌هایی که آخرشان به حرف y ختم می شوند مثل happy هنگام اضافه شدن er,est حرف y

تبدیل به حرف i می شود.

happy → happ**ier** than → **the happiest**



2- در صفت‌هایی که آخرشان به حرف e ختم می‌شود مثل wide در تفضیلی و عالی فقط r , st اضافه می‌شود.

Wide → wider **than** → **the** widest

3- در صفت‌هایی که یک بخشی هستند و آخرشان به حرف بی صدا ختم می‌شود به شرط آنکه قبل از آن بی صدا فقط یک صدادار وجود داشته باشد مثل big هنگام اضافه شدن پسوندهای er و est حرف بی صدای آخر تکرار می‌شود.

Big → bigger **than** → **the** biggest



|         |                   |                 |            |
|---------|-------------------|-----------------|------------|
| crowded | شلوغ              | a pair of shoes | یک جفت کفش |
| busy    | گرفتار - مشغول    | trousers        | شلوار      |
| noisy   | پر سرو صدا        | scissors        | قیچی       |
| glass   | عینک              | ball point pen  | خودکار     |
| cane    | نی - قلم خوشنویسی | fountain pen    | خود نویس   |

بقیه بخش : the same

اگر بعد از ترکیب the same کلمه as به کار رود ترکیب the same as به معنی ( مثل - شبیه - مانند ) است و مترادف با like است مثلاً :

Your shoes are **the same as** mine.

اگر بین ترکیب the same و کلمه as یک اسم فاصله شود بدین صورت می شود.

the same + اسم + as

از این ترکیب میتوان مثل صفت برابر برای هماهنگی دو اسم استفاده کرد ولی باید دانست که چون بعد از the

same همیشه اسم وجود دارد و نمی توان صفت به کار برد ناگزیر صفت را باید تبدیل به اسم کرد مثال :

Hellen is **as old as** Susan.

Hellen is **the same age as** Susan.



در اینجا لازم می شود چند صفت و اسم مربوط به آنها را یاد بگیریم .

|            |              |        |        |
|------------|--------------|--------|--------|
| tall - big | بزرگ         | size   | اندازه |
| long       | دراز         | length | درازا  |
| wide       | پهن          | width  | پهنا   |
| deep       | عمیق         | depth  | عمق    |
| old        | مسن - پیر    | age    | سن     |
| high       | مرتفع - بلند | height | ارتفاع |

## قید adverb

قید حالت و چگونگی فعل را نشان می دهد با اضافه کردن ly به آخر دسته ای از صفات آنها را تبدیل به قید می کنند. مثلاً :

|         |      |           |         |
|---------|------|-----------|---------|
| sincere | مخلص | sincerely | مخلصانه |
| quick   | سریع | quickly   | به سرعت |
| careful | دقیق | carefully | با دقت  |

اینگونه قیدها را **قید حالت** می گویند که جایشان در جمله بعد از فعل و در صورتیکه مفعول وجود داشته باشد بعد از مفعول است. مثلاً :

Hellen speak **slowly** .

Hellen apeaks English **slowly** .

اگر فعل جمله نشان دهنده حرکت باشد در چنان جمله ای قید حالت بعد از قید مکان به کار برده می شود. مثلاً :

He left the room quickly .

چند قید زیر ly نمی پذیرند و بدون ly به کار می روند.

|        |          |       |       |
|--------|----------|-------|-------|
| Fast   | Hard     | Short | Long  |
| Little | Much     | Late  | Early |
| Near   | Far      | Still | Just  |
| Enough | Straight | Soon  | Low   |



|      |   |                    |                   |
|------|---|--------------------|-------------------|
| Take | { | <b>a nap</b>       | چرت زدن           |
|      |   | <b>a shower</b>    | دوش گرفتن         |
|      |   | <b>a test-exam</b> | امتحان داشتن      |
|      |   | <b>a bath</b>      | حمام گرفتن        |
|      |   | <b>a dictation</b> | دیکته نوشتن       |
|      |   | <b>a trip</b>      | سفر کردن          |
|      |   | <b>a vehicle</b>   | سوار وسیله‌ای شدن |



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

1- هلن مثل پدرش به مهربانی رفتار نمی کند .

Hellen doesn't behave the same kind as her father .

2- من توانستم تمرینها را به راحتی تو انجام بدهم.

3- آنها احتیاج به یک ماشین به خوبی مال تو دارند.

4- او سریعتر از منشی ما نامه ها را تایپ می کند.

He types the letters faster than my secretery.

5- من هیچگاه دیرتر از والدینم بیدار نمی شوم.

I never get up later than my parents .

6- او نتوانست به روانی من در آن امتحان صحبت کند.

7- فکر نمی کنم آقای براون جدی تر از همکارش با تو صحبت کرده است.

8- این کوتاه ترین گیاهی است که در این منطقه می روید.

9- آنها در مرتفع ترین منطقه این کشور زندگی می کنند.

10- او صمیمانه تر از والدینش با دیگران رفتار می کند.

کلمات به شکل بالا با شکل واحدی به عنوان صفت نیز به کار می روند . طبعاً وقتی قبل از اسم باشد یا به

تنهایی بعد از فعل ربطی باشند صفت هستند مانند :

Hellen is a **fast** typist.

Hellen is **fast**.

اما اگر بعد از هر فعل دیگری غیر از افعال ربط به کار رود قید هستند مثلاً :

Hellen types **fast**.

قید

Hellen **looks fast**.

صفت فعل ربط

چند کلمه زیر ly دارند اما قید نیستند بلکه صفت هستند :

|          |          |          |             |
|----------|----------|----------|-------------|
| friendly | صمیمی    | lovely   | دوست داشتنی |
| deadly   | مرگبار   | kingly   | شاهانه      |
| likely   | احتمالی  | worldly  | جهانی       |
| motherly | مادرانه  | fatherly | پدرانه      |
| silly    | احمقانه  | ugly     | زشت         |
| sisterly | خواهرانه |          |             |

Hellen is a friendly girl.

تذکر: اگر لازم شود از کلمات بالا به صورت قید استفاده شود چون نمی توان به آنها ly اضافه کرد و مثلاً گفت friendlyLY ناگزیر برای تهیه کردن آنها از ترکیب زیر استفاده می شود.

In a/ an + ..... { **Fashion**  
 **Way**  
 **Manner** راه و روش

هلن صمیمانه صحبت می کند.

Hellen speaks **in a friendly manner**.

درجات مقایسه قید: قید نیز از نظر مقایسه دارای سه درجه برابر و برتر و برترین است بدین شرح:

1- قید برابر: دو فعل را مقایسه می کند و آنها را برابر معرفی می کند مثلاً هلن به کندی سوزان تایپ می کند.

ساختمان این درجه از قید بدین ترتیب است.

|               |     |    |
|---------------|-----|----|
| as            | قید | as |
| not as/not so | قید | as |

Hellen types **as slowly as** Susan.

Hellen doesn't type **so/as slowly** as Susan.

2- قید برتر: دو فعل را مقایسه می کند اما یکی را بهتر یا بدتر می شناسد مثلاً:

هلن کندتر از سوزان تایپ می کند.

بیاد داریم که در صفت برتر بحث یک بخشی و دو بخشی و چند بخشی داشتیم در حالیکه در قید برتر اینطور نیست. بلکه قاعده بر این است که اگر ly می پذیرد در این درجه more than به آن اضافه می شود و اگر ly نمی پذیرد به آخرش er اضافه می شود، بدین صورت:

Hellen drives **more slowly** than Susan.

Hellen drives **faster** than Susan.

3- قید برترین ( عالی ) : چند فعل را مقایسه می کند و از بین آنها یکی را به عنوان بهترین یا بدترین می شناسد. مثلاً هلن به کندترین وجه تایپ می کند.

برای ترجمه "ترین" نیز در این درجه از قید قاعده اینست که اگر قید ly می پذیرد قبلش the most و اگر ly نمی پذیرد به آخرش the est اضافه می کنیم، بدین صورت :

Hellen types **the most slowly**.

Hellen types **the fastest**.

چون در ترجمه قید عالی به فارسی ذکر کلمه "ترین" کافی نیست ناگزیر برای ترجمه قید عالی انگلیسی به فارسی از ترکیب زیر استفاده می شود :

به ..... ترین { وجه / صورت / شکل }

## کلماتی که نشان دهنده کمیت و مقدار هستند : intensifiers

کلماتی که دلالت بر کمیت و مقدار زیاد می کنند عبارتند از much, many که هر دو به معنی زیاد – خیلی می باشند.

**much** + اسم مفرد غیر قابل شمارش

**many** + اسم جمع قابل شمارش

فرق این دو این است که بعد از **much** اسم مفرد به صورت غیر قابل شمارش است اما بعد از **many** اسم جمع به صورت قابل شمارش به کار می رود.

**much** و **many** معمولاً در جمله های سؤالی و جمله های منفی به کار می رود

Has Hellen written **many** letters?

Does Hellen drink **much** coffee?

Helen has not written **many** letters.

Hellen doesn't drink **much** coffee.

در جمله های مثبت معمولاً از **a lot of** استفاده می شود چه برای قابل شمارش و چه برای غیر قابل شمارش، بدین صورت :

Hellen has written **a lot of** letters.

Hellen drinks **a lot of** coffee.

اگر بخواهیم شدت قید یا صفت را نشان دهیم از **too** یا **very** استفاده می کنیم .

زیاد – خیلی { **Too** / **Very** + صفت / قید



فرق too & very : این است که very نشان دهنده حد متعادل قید یا صفت است مثلاً :

The park is **very beautiful**.

The teacher speaks **very fluently**.

اما too نشان دهنده مقدار نامطلوب قید یا صفت است :

It is **too cold** today.

That driver drives **too slowly**.

too, very می توانند برای تقویت معنی قبل از much و many به کار روند مثلاً:

There were **too many** cars in the street.

Hellen drinks **too much** water in a day.

She knows **very many** words.

Thank you **very much**.

کلمه enough به معنی اندازه کافی ، برعکس too ، very بعد از قید و صفت به کار می رود.

**enough + صفت / قید**

You are rich enough .

He speaks fluently enough .

البته enough می تواند با اسم نیز به کار رود که البته معمولاً قبل از اسم به کار می رود مثلاً :

They spend enough money in a month .

کلماتی که نشان دهنده کمیت و مقدار کم هستند عبارتند از :

|             |               |                           |
|-------------|---------------|---------------------------|
| { کم و اندک | <b>Little</b> | مفرد - اسم غیر قابل شمارش |
|             | <b>Few</b>    | جمع - اسم قابل شمارش      |

**few & little** : نشان دهنده مقدار کمیتی هستند که آنقدر ناچیزند که به صفر و هیچ نزدیکترند.

I have **little** money in my pocket.

He knows **few** words.

اگر لازم شود از مقدار یا تعدادی که چشمگیرتر از **few** و **little** باشند نام ببریم قبل از آنها حرف تعریف (a)

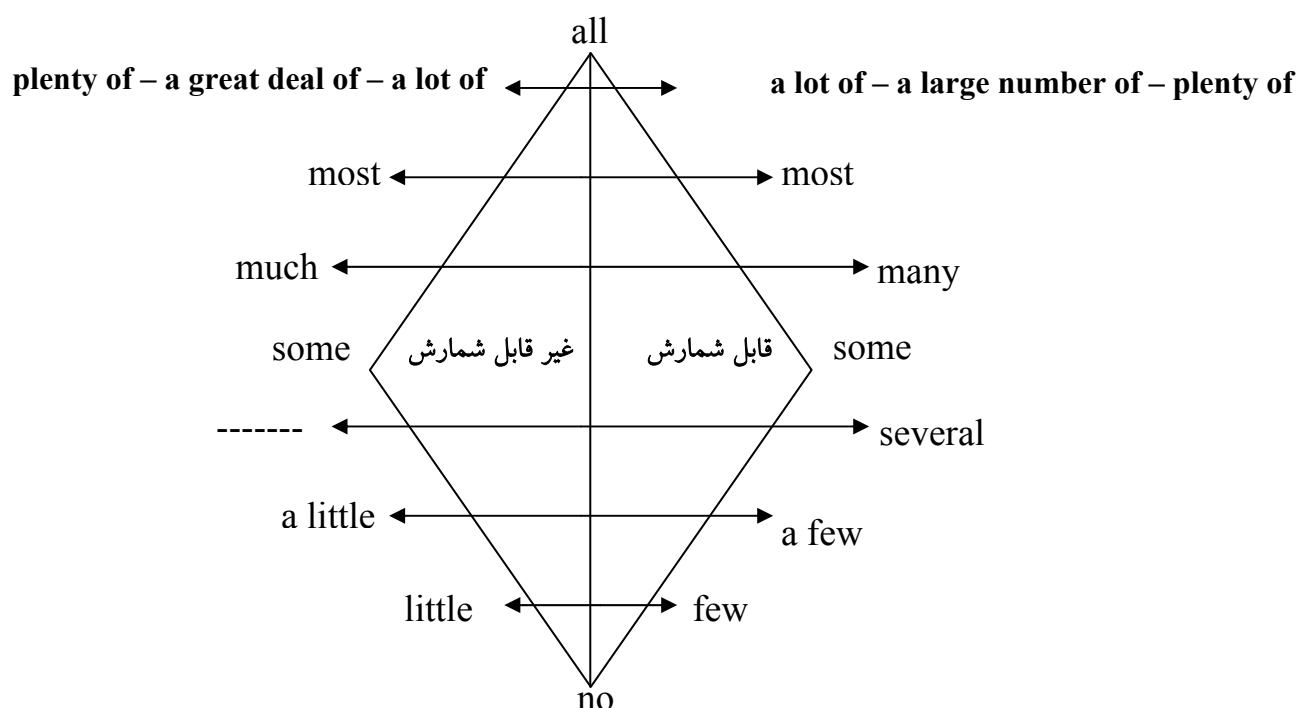
بکار می‌بریم.

|        |   |                 |                           |
|--------|---|-----------------|---------------------------|
| یک کمی | { | <b>a little</b> | مفرد - اسم غیر قابل شمارش |
|        |   | <b>a few</b>    | جمع - اسم قابل شمارش      |

I drink **a little** coffee after dinner.

He has **a few** books in his book case.

در نمودار زیر کلماتی که نشان دهنده مقدار و تعداد هستند و قبل از اسم بکار می‌رود بکار رفته است.



کلمات بالا مادام که قبل از اسم بکار می روند صفت هستند اما اگر برای جلوگیری از تکرار لازم شود اسم بعد از

آنها را حذف کنیم نقش ضمیر پیدا می کنند. مثلاً:

She Spends little money and I spend much.  
صفت ضمیر

## Such

این کلمه به معنی چنین میتواند با اسمهای قابل شمارش جمع و همچنین غیرقابل شمارش مفرد بدین صورت:

توجه کنید که غیر قابل شمارش جمع مفهوم ندارد.

Helen hasn't said **such** words.

Helen doesn't like **such** weather.

اگر اسم قابل شمارش به صورت مفرد باشد از **Such a/an** استفاده می شود بدین صورت:

**Such a** child can't stay quiet.

اگر در جمله هائی که **Such** بکار می رود صفتی نیز قبل از اسم وجود داشته باشد الگوی جمله به شکل زیر است:

**اسم + صفت + Such a/an**

I haven't seen **such an** interesting film so far.

میتوان به جای **Such** از کلمه **so** برای گرفتن همان معنی استفاده کرد اما الگوی جمله بدین صورت خواهد بود:

**اسم + a/an + صفت + So**

I haven't seen **so interesting a** film so far.

اگر قبل از اسمی یک صفت داشته باشیم که آن صفت را **Very** شدت بخشیده باشد جای حرف تعریف بدین

صورت است.

**اسم + صفت + Very + a**



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- او گفت که هرگز چنین غذای خوشمزه ای نخورده است.
- 2- وقتی رسیدم آنجا، مسافرهایی زیادی توی سالن وجود داشتند.
- 3- این زیباترین پرنده ای است که در این منطقه زندگی می کند.
- 4- آنها قصد داشتند لغتهای زیادی حفظ کنند اما نتوانستند.
- 5- فکر می کنم چای زیادی توی قوری نباشد.
- 6- چند تن از دوستانم می خواهند یک هدیه خیلی ارزشمند برای پدر علی ببرند.
- 7- او بهترین دکتر آن بیمارستان کوچک است.
- 8- آنها یک جاده خیلی طولانی را در یک هفته رکاب زدند.
- 9- او عصبانی ترین مردی است که من در میان اقوام سراغ دارم.
- 10- او عادت دارد صبحها کمی قهوه با صبحانه اش بنوشد.

## گسترش جمله با too و enough

در جمله هایی که too یا enough بکار می روند اگر جمله گسترش پیدا کند به یکی از صورتهای زیر در می آید.

1: اگر مورد بحث جمله شخص یا چیز واحدی باشد به یکی از صورتهای زیر گسترش می یابد.

مصدر با to + صفت/ قید + too

She is **too young to** work.

She drives **too slowly to** arrive on time.

مصدر با to + enough + صفت/ قید

1. She is rich enough to buy the house.

2. They work hard enough to earn a lot of money.

2: اگر مورد بحث جمله دوشخص یا دو چیز مختلف باشد گسترش جمله به یکی از صورتهای زیر خواهد بود.

مصدر با to + شخص + for + صفت/ قید + too

1. The car is too expensive for me to buy.

2. You speak too fast for me to under stand.

مصدر با to + شخص + enough + صفت/ قید

1. The book is easy enough for us to read.

2. You sigh beautifully enough for them to enjoy.

## «دیگر» «Other»

کلمه other به معنی دیگر فقط قبل از اسامی جمع نامعین بکار می رود مثلاً:

John has polished **other** shoes too.

اگر اسم به صورت مفرد و نامعین باشد قبل از آن another بکار می رود. مثلاً:

This child wants **another** toy.

اگر اسم به صورت معین (چه مفرد و چه جمع باشد قبل از آن the other بکار می رود که اشاره به اسم دوم یا گروه دیگر دارد مثلاً:

I don't like this hat. I like **the other** hat.

I don't like these shoes but I like **the other** shoes.

کلماتی که تاکنون مورد بحث قرار گرفت همگی صفت هستند و قبل از اسم بکار می روند.

|                       |   |   |             |                 |
|-----------------------|---|---|-------------|-----------------|
| Other+ اسم جمع نامعین | ⇒ | { | another +   | اسم مفرد نامعین |
|                       |   |   | the other + | اسم مفرد معین   |
|                       |   |   | the other + | اسم جمع معین    |

حتی میتوان اسمهای بعد از صفات را به ضمیر one یا ones تبدیل کرد.

|            |   |                |
|------------|---|----------------|
| other ones | { | another one    |
|            |   | the other one  |
|            |   | the other ones |

حتی میتوان اسمهای بعد از another و the other (مفرد) را حذف کرد و از خود آنها به عنوان ضمیر استفاده کرد.

I don't like this hat, I like the other. ~~hat~~.

This child wants another ~~hat~~.

اما اگر اسمهای بعد از other و the other (جمع) را بخواهیم حذف کنیم نمیتوان از خود این کلمات به عنوان ضمیر استفاده کرد بلکه برای تبدیل آنها به ضمیر از حرف (S) استفاده می کنیم.

others → دیگران - بقیه

The others → (اون یکی ها) آن دیگران

I don't like these shoes. I Like the others.

John has polished others too.

در دو اصطلاح زیر other و another بکار رفته است که کاربرد مخصوصی دارند.

|                 |             |                 |
|-----------------|-------------|-----------------|
| همدیگر - یکدیگر | each other  | بین دوکس        |
|                 | one another | بین بیش از دوکس |

این دو اصطلاح وقتی بکار می رود که کاری به صورت متقابل از دو طرف صورت گرفته باشد.

مثلاً بجای اینکه گفته شود من احمد را می شناسم و احمد مرا می شناسد بهتر است گفته شود: احمد و من همدیگر را می شناسیم.

Ahmad and I know **each other**.

People must help **one another**.

اگر کاری به صورت متقابل انجام نیافته باشد بلکه از یک سو و یک جهت رخ داده باشد از کلمه together به معنی (با یکدیگر - با همدیگر) استفاده می شود و آنرا نباید با فعل to gather به معنی جمع آوری کردن اشتباه کرد.

Helen and jane study **together**.

در چند اصطلاح زیر کلمه other معنی «دیگر» نمیدهد.

|                                             |               |
|---------------------------------------------|---------------|
| every <b>other</b> days = on alternate days | یکروز در میان |
| the <b>other</b> day = some days ago        | چند روز قبل   |
| <b>other</b> wise = or else                 | والا- وگرنه   |
| on the <b>other</b> hand = in other words   | از طرف دیگر   |



other than = except

به جز

one after another = one by one



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- آنها تقریباً هر روز همدیگر را توی جلسه می بینند.
- 2- من و دوستم یکروز در میان همدیگر را در کلاس ملاقات میکنیم.
- 3- وقتی رسیدیم آنجا والدینم داشتند با یکدیگر می رفتند خرید.
- 4- سه تا کتاب روی میز وجود داشت - یکی را برداشتم و آن دیگری را جا گذاشتم.
- 5- مقداری از محصل ها داشتند توی حیاط بازی می کردند، تعدادی هم داشتند درسهایشان را حفظ می کردند و آن بقیه داشتند کلاس را تزئین می کردند.
- 6- فکر می کنم او این شلوار را دوست نداشته باشد لطفاً آن دیگری را به او بدهید.
- 7- مردی که دارد در کلاس دیگر درس می دهد سابقاً معلم ما بود.
- 8- من منظورم این جمله ها نیست بلکه جمله های دیگر است.
- 9- آیا جان میتواند به سرعت آن راننده دیگری اتوبوس را براند.
- 10- ما سابقاً در آن اداره دیگری به عنوان خدمتکار کار می کردیم.



## تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- مردی که سابقاً اینجا زندگی می کرد الان در آن خانه دیگری است.
- 2- جمله ای که تو نوشتی به قشنگی آن دیگری نیست.
- 3- خانه ای که ما توی آن زندگی می کنیم به این قیمت نمی ارزد.
- 4- شیشه ای را که آن بچه شکسته بود مال اتاق پذیرایی ما بود.
- 5- من آدرسی را که تو نوشته بودی گم کردم.
- 6- مردی را که تو درباره آن صحبت می کنی پدرم می شناسد.
- 7- من به بچه هایی که آقای اسمیت درس می دهد گفتم که او امروز نخواهد آمد.
- 8- قلمی که تو خریده ای به گرانی مال من نیست.
- 9- مهمانها یکی پس از دیگری جشن را ترک کردند و از میزبان تشکر کردند.
- 10- آنهایی که دارند توی حیاط بازی می کنند شاگردهای آقای اسمیت هستند.
- 11- پیراهنی را که توی چمدان بود خیلی دوست دارم.
- 12- او کفشهایی را که من برایش خریده بودم هرگز نپوشید.
- 13- تویی که پول در جیب نداری نمیتوانی این کتاب گران را بخری.
- 14- پسری که داشت با آقای اسمیت صحبت می کرد سابقاً کارگر ما بود.
- 15- من اتافی را که تو تمیز کردی قصد دارم دوباره تمیز کنم.



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

1- آیا این بزرگترین ساختمان این منطقه نیست.

Isn't this the largest building in this area?

2- او زیباترین گل این باغچه را چیده بود.

He had picked the most beautiful flower from this garden.

3- هلن به اندازه خواهرش باهوش نیست.

Helen isn't so/as intelligent as her sister.

4- او قرار است گرانترین هدیه را برای پدرش ببرد.

He is supposed to take the most expensive present for his father.

5- آقای اسمیت سریعترین ماشین نویس این اداره است.

Mr. Smith is the fastest typist in this office.

6- خانه ما گرانتر از خانه ای است که تو خریده ای.

Our house is more expensive than the house that you have bought.

7- او در کوچکترین خانه این خیابان سابقاً زندگی می کرد.

He used to live in the smallest house in this street.

8- من توانستم درازترین جاده این کشور را در 24 ساعت رانندگی کنم.

I could drive the longest road in this country for 24 hours.

9- فکر می کنم کفشهای تو ارزانتر از مال من باشد.

I think, your shoes are cheaper than mine

10- این زیباترین هدیه ای است که من خریده ام.

This is the most interesting present that I have bought.

## ضمایر موصولی Relative Pronouns

قبلاً گفتیم که صفت میتواند قبل از اسم به صورت کلمه بکار رود، و اگر بعد از اسم بکار رود باید بعد از فعلهای Link یا ربط قرار گیرد. صفت میتواند بعد از اسم، شکل جمله داشته باشد که چون چنان جمله ای حالت وصفی دارد به آن جمله وصفی گویند علامت جمله وصفی اینست که با «که» موصولی شروع می شود.

### جمله وصفی + (که) موصولی + اسم

پس «که» موصولی جمله وصفی را به اسم قبل از خودش وصل می کند؛ به همین علت موصولی نام دارد. خاصیت دیگر «که» موصولی اینست که از تکرار اسم قبل از خودش در جمله وصفی به هر نحو ممکن جلوگیری می کند. اینکه گفتیم بهر نحو ممکن از این روست که در فارسی همه آنها یعنی «که» های موصولی (ک - ه) اما در انگلیسی نسبت به اسمی که قبلشان بکار می رود شکلهای متفاوت دارند بدین شرح.

1- «که» موصولی اگر از تکرار اسم مشخص در فاعل جمله وصفی جلوگیری کند who ترجمه می شود.

The man.                      The man works here.

...the man **who** works here.

2- «که» موصولی اگر از تکرار اسم مشخص در مفعول جمله وصفی جلوگیری کند whom ترجمه می شود.

The man                      I know the man.

...the man **whom** I know.

3- «که» موصولی اگر از تکرار اسم غیرمشخص در فاعل جمله وصفی جلوگیری کند which ترجمه می شود.

The bus                      The bus stops here everyday.

...the bus **which** stops here everyday.

4- «که» موصولی اگر از تکرار اسم غیرمشخص در مفعول جمله وصفی جلوگیری کند which ترجمه می شود.

The book                      I study the book.

...the book **which** I study.

5- «که» موصولی اگر از تکرار اسم مکان در جمله وصفی جلوگیری کند به where ترجمه می شود.

The house.                      they live in it.

the house **where** they live ( ین ).

باید دانست که وقتی که از where استفاده می شود نیاز به حرف اضافه مکان نیست.

6- «که» موصولی اگر از تکرار اسم زمان در جمله وصفی جلوگیری کند به **when** ترجمه می شود.

The year. I was born in the year.

The year **when** I was born.

7- «که» موصولی اگر از تکرار **صفت ملکی** در جمله جلوگیری کند ترجمه آن **whose** است.

The man his wife works with me.

...The man **whose** wife works with me.

...The dog **whose** name was Top یا the dog **the name of which** was top of.

البته اگر قبل **whose** اسم غیرمشخص وجود داشته باشد میتوان بجای **whose** از **of which** استفاده کرد

بدین ترتیب که اسم بعد از **whose** را به قبل از **whose** منتقل می کنیم و بجای **whose** از **of which** استفاده می کنیم.

The room **whose door**...

The room **the door of which**...

8- اگر در جمله وصفی عدد قبل از صفت ملکی وجود داشته باشد آن عدد به قبل از **whose** منتقل می شود.

9- در صورتی که قبل از **which** عبارت **The thing** وجود داشته باشد بجای ترکیب **The thing which** از **what** استفاده می کنیم. بدین صورت:

**The thing which** you need is fresh air.

**What** you need is fresh air.

10- «که» موصولی اگر از تکرار اسم **دلیل و علت** در جمله وصفی جلوگیری کند به **why** ترجمه می شود.

The reason. I study English for that reason.

The reason **why** I study English is that I want to go abroad.

**تذکر مهم:** باید دانست که وقتی جمله هایی که **The reason why** در آنها بکار رفته ادامه پیدا می کند از کلمه

رابط **That** استفاده می شود نه **because**.

میتوان در قسمت اسم، قبل از «که» موصولی ضمیر بکار برد و با «که» موصولی (who)، همه ضمیرها بکار می روند به غیر از They که به جای آن از Those استفاده می شود مثلاً:

|                            |                             |
|----------------------------|-----------------------------|
| I who work hard.           | we who work hard            |
| You who work hard.         | you who work hard           |
| It who works hard.         |                             |
| She <u>who</u> works hard. | <b>Those</b> who work hard. |
| He who works hard.         |                             |

### 1. موارد جایگزینی ضمائر موصولی

از بین «که» های موصولی، 3 مورد who ، whom و which (فاعلی و مفعولی) قابل جایگزین شدن با that هستند بدین صورت:

The man who works here is my uncle.  
that

The man whom you saw yesterday wants you.  
that

The house which is on the corner is mine.  
that

The house which you bought is too expensive.  
that

### 2. موارد حذف «که» های موصولی

از بین ضمائر موصولی حتی میتوان whom و which (مفعولی) را حذف کرد بدین صورت

The man ~~which~~ you saw yesterday wants you.

The house ~~which~~ you bought is too expensive.

### 3. جملات وصفی ضروری و غیرضروری

جمله های وصفی انگلیسی به دو دسته تقسیم می شوند.

1- جمله های وصفی ضروری (necessary) که به آنها (defining) هم می گویند.

جمله هایی هستند که وجودشان ضروری است تا اسم در جمله تعریف شود. مثلاً در جمله ای مثل:

a writer is a person.

شنونده و خواننده منتظر است چیزی راجع به Person بفهمد زیرا مفهوم این جمله کامل نیست هر جمله وصفی که در این حالت بکار رود ضروری به حساب می آید مثلاً:

a writer is a person **who writes novel.**

2- جملات وصفی غیر ضروری (unnecessary) که به آنها none defining گویند.

جملاتی هستند که وجودشان صددرصد ضروری نیست بلکه فقط برای دادن اطلاعات اضافی در مورد اسم بکار می رود مثلاً در جمله ای مثل:

Hafez is a great poet.

چون مفهوم جمله کامل است هر وصفی که در مورد اسم حافظ بیان شود صددرصد ضروری نیست و به آن (unnecessary) گویند. مثلاً:

Hafez **who lives in Shiraz,** is a great poet.

علامت جملات وصفی (unnecessary) این است که قبل از کاما (،) به کار می روند و اسم قبلشان از اسامی خاص است.

**نکته مهم:** موارد جایگزینی و حذف در جمله های none defining بکار نمی روند ولی در جمله های defining صورت می گیرد.



**تمرین جملات فارسی :**

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

1- مردی که توی اتاق دیگری دارد درس می دهد سابقاً معلم ما بود.



- 2- آنهایی که زود بیدار می شوند همیشه موفق هستند.
- 3- منی که پول توی جیب ندارم نمیتوانم به این مرد فقیر کمک کنم.
- 4- ما یکی پس از دیگری صف را ترک کردیم زیرا نانوائی نان نداشت.
- 5- دلیل اینکه من به تو تلفن نزدم اینست که تلفن ما خراب بود.
- 6- خانه ای که آن طرف خیابان است، سابقاً متعلق به آقای براون بود.
- 7- من مردی را که تو داری درباره اش صحبت می کنی ندیدم.
- 8- فکر می کنم تو آن سیب را دوست نداری. بنابراین آن دیگری را بردار.
- 9- آنها هر روز در مؤسسه هستند بجز روزهای فرد.
- 10- خانه ای که آقای براون قرار است بخرد گرانتز از آن یکی دیگری است.

## جملات گذشته حدسی و گذشته غیر واقعی

قبل از بحث درباره این دو نوع جمله لازم است مروری بر فعلهای انگلیسی داشته باشیم که در جدول زیر نشان

داده شده اند.

|         |             |                    |
|---------|-------------|--------------------|
| to do   | -           | does-did           |
| to have | -           | has-had            |
| to be   | -           | am-is-are-was-were |
| to need | -           | -                  |
| can     | توانستن     | Could              |
| may     | ممکن بودن   | Might              |
| must    | باید        | -                  |
| shall   | علائم آینده | Should             |
| will    | علائم آینده | Would              |
| -       | سابقاً      | used to            |
| -       | باید        | ought to           |
| -       | قرار بودن   | to be supposed to  |
| -       | ترجیح داشتن | had better         |
| -       | -           | would rather       |
| -       | باید        | have to            |

از این فعلهای کمکی (can, may, shall, will, must) را که ریشه مصدری ندارند فعلهای کمکی مدال گویند (modal).

از فعلهای مدال کلماتی صادر می شوند که آنها را مشتقات گویند. که عبارتند از:

would-should-might-could حال می خواهیم فعلهای مدال و مشتقات آنها را با سه نوع مصدر ساده ،

استمراری و کامل ترکیب کنیم تا ببینیم جمله حاصله چیست.

1- با مصدر ساده: وقتی فعلهای مدال و مشتقات آنها را با مصدر ساده ترکیب کنیم جمله حاصله زمان حال و یا آینده است. (به شرط وجود قید زمان حال و آینده)

Bob **can** come now. → Bob **can** come tomorrow.

Bob **could** come now. → Bob **could** come tomorrow.

در یک صورت مشتقها، گذشته فعلهای مدال به حساب می آیند و آن اینست که در جمله یا قید زمان گذشته وجود داشته باشد و یا تطابق زمان به جمله تأثیر گذاشته باشد.

Bob could come yesterday.

I knew that Bob could come.

## 2- مصدر استمراری:

با مصدر استمراری وقتی Should را ترکیب کنیم جمله حاصله حال - غیر واقعی است. مثلاً:

Helen **should be resting**. (هلن باید خواب باشد ولی نیست)

حال غیر واقعی از این نظر که اگر ظاهر جمله مثبت است، مفهوم آن منفی است مانند مثال بالا و اگر ظاهر جمله منفی است، مفهوم آن مثبت است مثلاً:

Hellen **Shouldn't be resting**.

با مصدر استمراری وقتی may را ترکیب کنیم جمله حاصله حال حدسی است.

It **may be raining**. شاید دارد می بارد

حال حدسی از این نظر که از قرینه ها و شواهد حدس می زنیم که ممکن است کاری در حال انجام باشد.

3- مصدر کامل: با مصدر کامل وقتی can , must , may را ترکیب کنیم جمله حاصله گذشته حدسی است مثلاً:

Hellen **must have seen the film**. هلن باید فیلم را دیده باشد.

گذشته حدسی از این نظر که از شواهد و قرینه ها حدس می زنیم که ممکن است کاری در گذشته رخ داده باشد مثلاً از اینکه هلن در مورد فیلم اطلاعاتی می دهد حدس می زنیم که باید فیلم را دیده باشد.

اما با مصدر کامل وقتی might-ought to-should-could-would را ترکیب کنیم جمله حاصله گذشته غیر واقعی است.

$$\left. \begin{array}{l} \text{could} \\ \text{should} \\ \text{would} \\ \text{might} \\ \text{ought to} \end{array} \right\} + \text{have P.P (گذشته غیر واقعی)}$$

مثال:

I should have gone there. من باید می‌رفتم آنجا (که نرفتم).

گذشته غیر واقعی از این نظر که اگر ظاهر جمله مثبت است یعنی not ندارد مفهوم جمله منفی است مانند مثال بالا و اگر ظاهر جمله منفی است یعنی not داشته باشد مفهوم مثبت خواهد داشت بدین صورت:

I shouldn't have gone there. من نباید می‌رفتم آنجا (ولی رفتم).



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- پدرم دارد پیاده می آید. باید ماشینش را فروخته باشد.
- 2- آنها اینجا نیستند. باید توی کمد گذاشته باشمشان.
- 3- من کلید را باید خانه عمویم جا گذاشته باشم. چون توی جیبم نیست.

- 4- تو نباید جلوی دیگران به او توهین می کردی.
- 5- پدرم نباید می رفت پیش دکتر (چون چشمهایش ضعیف نیستند).
- 6- تو می تونستی در امتحانات نهائی قبول شوی نمیدونم چرا شرکت نکردی.
- 7- او امکان داشت با ماشین تصادف کند. باید دستش را می گرفتی.
- 8- من نباید در را قفل می کردم چون ممکن است پدرم زودتر از من بیاید.
- 9- آقای براون باید تا بحال استعفا داده باشد.
- 10- معلم نباید درس را شروع کرده باشد.

## آینده کامل

این زمان دلالت بر انجام عملی می نماید که از یک زمانی شروع شده است و اما در آینده تمام و کامل می گردد.

**علامت این زمان در فارسی:** کلمه تا در اول قید زمان آینده همراه با جملات حال کامل علامتی از این زمان در فارسی است.

تا + قید زمان آینده + حال کامل ← آینده کامل

مثال: تا سال آینده از دبیرستان فارغ التحصیل شده ایم.

I will have graduated from high school by next year.

مثال: رضا تا ساعت 5 برگشته خونه.

Reza will have returned home by five o'clock.

**طرز ساخت:** برای ساختن این زمان در انگلیسی از فرمول زیر استفاده می شود.

Subject + will have + Past Participle

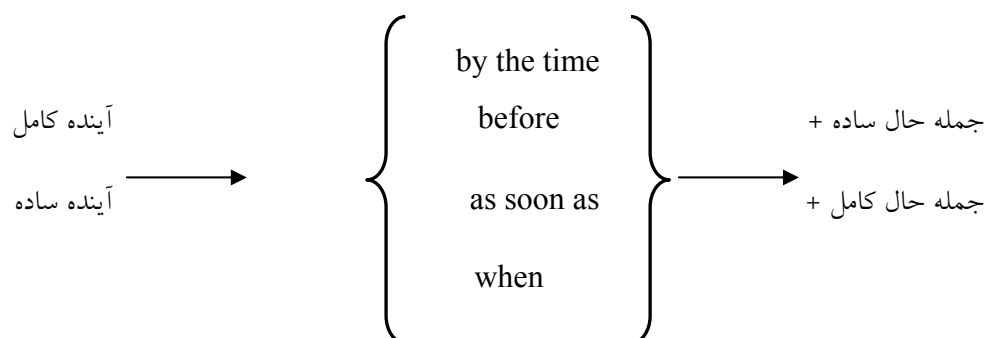
نشانه های این زمان:

1- تا + قید زمان آینده ← (By tomorrow) قید زمان آینده + By

2- تا + طول مدت زمان ←  $\left. \begin{matrix} in \\ within \end{matrix} \right\} \text{two weeks}$

3- تا + جمله حال ساده ← آینده کامل

4- تا + جمله حال کامل ← آینده ساده



## Conditionals

## جملات شرطی

یک جمله شرطی از دو قسمت تشکیل می شود یکی قسمت شرط (if clause) و دیگری قسمت جواب یا نتیجه یا جزء (main clause) بدین صورت:

قسمت جزء شرط ، قسمت شرط + if

می توان قسمت جواب را ابتدا و بعد قسمت شرط را بیان کرد یا نوشت در آن صورت احتیاج به علامت کاما (و) وسط دو بند نیست.

قسمت شرط + if + قسمت جزء

جمله های شرطی انگلیسی به دو دسته واقعی و غیرواقعی تقسیم می شوند که در اینجا مورد بحث ما جملات شرطی غیرواقعی هستند.

شرطی های غیرواقعی سه نوع دارند. زیرا هر یک از آنها مربوط به یکی از زمانهای آینده - حال و یا گذشته هستند بدین شرح:

1- شرطی نوع اول: مربوط به زمان آینده است.

|          |          |
|----------|----------|
| قسمت جزء | قسمت شرط |
| _____    | _____    |
|          | if +     |
|          | حال ساده |

If Helen **has** money, she **can buy** the car.

اگر هلن پولی داشته باشد. او میتواند ماشین رو بخرد.

چون در این نوع شرطی امکان انجام کار وجود دارد به آن (Possible) گویند.

2- شرطی نوع دوم: مربوط به زمان حال است.

|      |            |                    |
|------|------------|--------------------|
| if + | قسمت شرط   | قسمت جزاء          |
|      | گذشته ساده | مصدر ساده + مشتقات |

If Helen **had** money now, she **could buy** the car.

اگر هلن الان پول داشت می تونست ماشین را بخرد.

چون در این نوع شرطی گوینده تصور انجام کاری را در زمان حال می کند که تحقق پیدا نمی کند به این نوع شرطی (imaginary) گویند.

3- شرطی نوع سوم: مربوط به زمان گذشته است.

|      |            |                     |
|------|------------|---------------------|
| if + | قسمت شرط   | قسمت جزاء           |
|      | have + P.P | have + P.P + مشتقات |

If Hellen **had had** money, she **could have bought** the book yesterday.

اگر هلن دیروز پول داشت میتوانست کتاب را بخرد.

چون در این نوع شرطی گوینده، شرطی را مطرح می کند که در گذشته تحقق نیافته و گذشته را نمیتوان بازگرداند به این نوع شرطی غیرممکن یا (impossible) یا گذشته غیرواقعی گویند.

### تعیین نوع شرطی دوم و سوم

برای تعیین شرطی نوع دوم و سوم یا احتیاج به قید زمان است مثلاً:

1- اگر امروز پول داشتم این کتاب را می خریدم.

If I **had** money **today**, I **would buy** this book.

2- اگر دیروز پول داشتم این کتاب را می خریدم.

If I **had** money **yesterday**, I **would have bought** this car.



اگر قید زمان در جمله شرطی بکار نرفته باشد برای تعیین نوع دوم و سوم احتیاج به جمله نشانه است بدین صورت که اگر جمله نشانه زمان حال باشد شرطی بعد از آن نوع دوم است مثلاً:

**she doesn't try** if she tried , she **would succeed**.

و اگر جمله نشانه، گذشته باشد شرطی بعد از آن نوع سوم است مثلاً:

**She didn't try**, if she had tried , she **would have succeeded**.

## « والا » Otherwise

این کلمه به معنی والا در جمله های شرطی بجای قسمت if clause بکار می رود. مثلاً به جای اینکه گفته شود:

آنها مرا دعوت نکردند؛ اگر دعوت می کردند می رفتم.

They didn't invite me, **If they had invited me**, I would have gone.

میتوان جمله بالا را به این صورت بیان کرد که:

آنها مرا دعوت نکردند و الا می رفتم.

They didn't invite me; other wise, I would have gone.

طبیعی است که اگر جمله نشانه زمان گذشته باشد، جزای بعد از otherwise مربوط به شرطی نوع سوم است

مانند مثال بالا.

اگر جمله نشانه زمان حال باشد جزای بعد از آن مربوط به شرطی نوع دوم می باشد بدین صورت:

They don't invite me, other wise, I would go.

اگر جمله نشانه فعل امر یا زمان آینده باشد جزای بعد از otherwise مربوط به شرطی نوع اول است مثلاً:

Don't smoke, **otherwise**, you will get used to it.

## « Wish » کاشکی - ای کاش

اگر بعد از wish مصدر با to بکار رود wish معنی میل داشتن و خواستن است.

I wish to see them. می خواهم آنها را ببینم.

I want to see them. می خواهم آنها را ببینم.

اما اگر بعد از wish جمله بکار رود در آن صورت wish مفهوم آرزو پیدا می کند و به معنی کاش - کاشکی است و چون فاعل آرزوی کاری را می کند که تحقق آن یا انجام آن حتمی و یقینی نیست wish در این حالت جزء غیرواقعی ها بحساب می آید بدین صورت که:

1- اگر آرزو برای زمان آینده باشد جمله بعد از wish با would بیان می شود. مثلاً:

I wish they would call me tomorrow.

2- اگر آرزو برای زمان حال باشد، فعل جمله بعد، بعد از wish در زمان گذشته ساده خواهد بود.

I wish They called me now. ای کاش آنها الان به من تلفن می زدند.

3- اگر آرزو برای زمان گذشته باشد فعل جمله بعد از wish با گذشته کامل بیان می شود مثلاً:

I wish They had called me yesterday.

**یادآوری مهم:** اگر قید زمان در جمله وجود نداشته باشد. برای تعیین شکل فعل جمله بعد از wish احتیاج به جمله نشانه است.

## کلمات معادل if

میتوان در سه نوع شرطی ذکر شده قبل به جای if از یکی از عبارات زیر استفاده کرد.

|            |                                                                                        |              |                                                                     |
|------------|----------------------------------------------------------------------------------------|--------------|---------------------------------------------------------------------|
| به شرطی که | $\left\{ \begin{array}{l} on \ condition \\ Provided \\ Providing \end{array} \right.$ | به فرض اینکه | $\left\{ \begin{array}{l} Suppose \\ Supposing \end{array} \right.$ |
|------------|----------------------------------------------------------------------------------------|--------------|---------------------------------------------------------------------|

I will sign the contract **provided** you give me some money.

یکی از عبارات فوق نیز میتوانند در شرطی نوع دوم بجای کلمه if بکار می رود.

**Suppose** it rained now , I would stay home.

## وقتش است که « It is time »

این عبارت وقتی بکار می رود که فاعلی موقع انجام کاری را برای خود یا کس دیگری ترجیح دهد و قاعده آن اینست که اگر گوینده جمله، ترجیح انجام کاری را برای خودش می دهد بعد از این عبارت مصدر با to بکار می برند. بدین صورت:

**مصدر با + it's time**

it's time **to finish** the job.      وقتشه کار را تمام کنم

اما اگر گوینده جمله وقت انجام کاری را برای کسی دیگر ترجیح می دهد بعد از این ترکیب ابتدا فاعل مورد نظر و فعل را به صورت گذشته ساده می آوریم. بدین صورت:

**زمان گذشته + فاعل + it is time**

it's time you **finished** the job.      وقتشه که کار را تمام کنی

## حذف IF

در جملات فارسی در صورتیکه در قسمت شرط (if clause) فعل کمکی وجود داشته باشد میتوان کلمه if را حذف کرد که قاعده آن در سه نوع شرطی ها بدین صورت است.

1) در شرطی نوع اول: در صورتی که Should بکار رود معنی احتمالاً می دهد. مثلاً:

If I **should** see him, I will tell him.

که میتوان در این حالت Should را به قبل از فاعل منتقل کرد و if را حذف کرد بدین صورت:

**Should** I see him. I will tell him.

2) در شرطی نوع دوم: در صورتی که فعل بودن یعنی were بکار رفته باشد برای حذف if میتوان از آن استفاده کرد.

If you **were** here, I would talk to you.

**Were** you here, I would talk to you.

3) در شرطی نوع سوم: همیشه فعل کمکی had وجود دارد که برای حذف if میتوان از آن استفاده کرد بدین صورت:

if I **had** gone there, I would have seen him.

**Had** I gone there, I would have seen him.

نکته: Should به معنی «احتمالاً» در شرطی نوع دوم نیز میتواند بکار رود و بنابراین برای حذف if مورد استفاده قرار گیرد.

If I **should** see him now, I would tell him.

**Should** I see him now, I would tell him.

## Unless

این کلمه میتواند در جمله های شرطی در قسمت شرط (if clause) جای if و not بکار رود.

مثلاً بجای اینکه گفته شود، تو موفق نمی شوی اگر کوشش نکنی

You won't succeed **if** you don't try.

میتوان جمله شرطی به صورت زیر نیز بیان کرد.

موفق نمی شوی مگر اینکه کوشش کنی.

You won't succeed **unless** you try.

البته unless مثل if میتواند وسط دو جمله یا ابتدای جمله اول قرار گیرد.

**Unless** you try, you won't succeed.

تذکر:

If not = unless

If = unless not

مثال:

**Unless** you don't try, you **will** succeed = **Unless** you try, you **won't** succeed.

## Would rather

قبلاً فعل Prefer را به معنی ترجیح دادن یاد گرفتیم و میدانیم که یک فعل اصلی است معادل این فعل در انگلیسی

would rather است که یک فعل کمکی است و در نتیجه کاربردهای متفاوتی با prefer دارد بدین شرح:

1) بعد از Prefer مصدر با to و اما بعد از would rather مصدر برهنه است.

I prefer to stay there.

مصدر با **Prefer + to** + فاعل

I would rather stay there.

مصدر برهنه + **would rather** + فاعل

2) اگر فاعل کاری را به کار دیگری ترجیح دهد با Prefer و would rather به صورتهای زیر بیان می کنیم.

I prefer to go rather than to stay.

مصدر با **rather than + to** + مصدر + **Prefer + to** + فاعل

I would rather go than stay.

مصدر برهنه + **than** + مصدر برهنه + **would rather** + فاعل

در این حالت (2) اگر اسمی به اسم دیگری ترجیح داده شود طبیعتاً با would rather ممکن نیست بلکه با prefer ممکن است.

I prefer walking to staying.

I prefer apple to banana.

اسم مصدر/ اسم + **to** + اسم مصدر/ اسم + **prefer** + فاعل

3) اگر فاعلی ترجیح کاری را در گذشته نشان دهد با Prefer و would rather به صورت های زیر بیان می شود.

I Preferred to go.

مصدر با **to + Prefer + فاعل**

I would rather have gone.

**would rather + have P.P + فاعل**

4) اگر فاعلی کاری را برای کس دیگری ترجیح دهد با Prefer و would rather به صورتهای زیر بیان می کند.

I prefer him to go.

مصدر با **to + مفعول + prefer + فاعل**

I would rather him went.

گذشته ساده + **فاعل + would rather + فاعل**



### as if – as though

این دو اصطلاح هر دو به معنی «مثل اینکه - گویی» وقتی بکار می رود که فاعلی مطمئن نباشد که کاری واقعیت

دارد بلکه گمان کند یا بیندارد که کاری حقیقت دارد مثلاً:

او طوری رفتار می کند که گوئی همسرش را دوست ندارد.

He behaves **as if** he didn't like his wife.

چون جملات بعد از **as if** و **as though** غیرواقعی هستند قانون آنها بدین صورت است

که اگر کاری برای زمان حال پنداشته می شود بعد از **as if** و **as though** زمان گذشته ساده بکار رود.

She speaks **as if** she knew the problem.

طوری حرف می زند که انگار مسئله را می داند.

اگر کاری برای زمان گذشته پنداشته شود بعد از **as if** و **as though** گذشته کامل بکار می رود.

He walked **as if** he had had a broken leg.

او طوری راه می رفت که انگار پایش شکسته است.

## « in Case » (مبادا نكنه)

اين اصطلاح وقتى بكار مى رود كه فاعلى كارى را انجام دهد. از ترس اينكه كار ناگوار ديگرى صورت گيرد. مثلاً:

من يك چتر با خودم برمى دارم. مبادا باران ببارد.

I take an umbrella with me **in case** it rains.

In case: در جملات انگليسى مختلفى بكار مى رود.

حال ساده + {incase} + حال ساده/حال استمرارى/حال كامل آينده/امر

Helen has left the door open, **in case** Her mother comes earlier.

گذشته ساده + {incase} + گذشته ساده/گذشته استمرارى/گذشته كامل

She was running fast **in case** she missed the class.

## Both

این کلمه به معنی هر دو میتواند در جمله های انگلیسی هم قبل از اسم بکار برود و هم بعد از اسم.

1) اگر قبل از اسم بکار رود به یکی از صورتهای زیر خواهد بود.

|                                                                                                                             |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| $\left. \begin{array}{l} \textit{both of the} \\ \textit{both the} \\ \textit{both} \end{array} \right\} \text{ فعل + اسم}$ |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

فعل + ضمیر + **both of**

**Both students** study hard.

**Both of us** study hard.

2) اگر بعد از اسم بکار رود در یکی از حالت های زیر خواهد بود.

|                                    |                                             |
|------------------------------------|---------------------------------------------|
| فعل + <b>both</b> + اسم            | The students <b>both</b> study hard.        |
| فعل + <b>both</b> + فعل کمکی + اسم | The students can <b>both</b> study hard.    |
| فعل + <b>both</b> + to be + اسم    | The students are <b>both</b> studying hard. |

**both** - بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی می آید.

## حالت معلوم و مجهول : active & passive voice

کلمه Voice را تا حالا به معنی صدا شناخته ایم اما در معلوم و مجهول به معنی حالت است active یعنی فعال و passive یعنی گذرا .

جمله های مجهول به این علت passive نامیده می شوند که از سر فاعل می گذریم و در واقع مفعول را مطرح می کنیم .

جمله های معلوم را به این علت active می گویند که فاعل در آنها مطرح و فعال است .  
حال ببینیم فاعل ( Subject ) چه انواعی دارد .

1- فاعل می تواند کننده کار باشد که به آن doer گویند .

مثال :

Hellen studies the book . . هِلن کتاب را می خواند .

2- فاعل می تواند کسی یا چیزی باشد که کار براو واقع شده باشد که چنین فاعلی در انگلیسی Subject Sufferer نام دارد مثلاً:

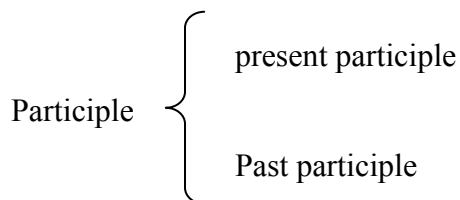
Hellen is seen by them.

3- فاعل می تواند هیچ یک از انواع بالا نباشد یعنی نه کاری را انجام داده باشد و نه کاری براو واقع شده باشد که چنین فاعلی را neither doer not sufferer گویند . مثال :

Hellen is a student.

در جمله های مجهول Subject از نوع sufferer است و در جمله های معلوم Subject از دو نوع دیگر است .

قبلاً یاد گرفتیم که صفت مخصوص اسم است . حال باید دانست که صفت فعل نیز وجود دارد که به آن participle صفت فاعل و یا صفت فاعلی و یا صفت مفعولی گویند .



**صفت فاعلی:** با اضافه کردن ing به آخر فعل حاصل می شود . مثل :

|            |                       |      |
|------------|-----------------------|------|
| زندگی کردن | live → living = alive | زنده |
| دویدن      | run → running         | دوان |

همه افعال صفت فاعلی دارند زیرا هر فعلی ناگزیر سوژه یا فاعلی دارد .

**صفت مفعولی:** در فعلهای با قاعده با اضافه کردن ed حاصل می شود و در فعلهای بی قاعده شکل خاص دارد .

مثال :

|        |               |          |
|--------|---------------|----------|
| شستن   | wash → washed | شسته شده |
| افتادن | fall → fallen | افتاده   |

همه فعلها صفت مفعولی ندارند بلکه فقط فعلهای متعدی صفت مفعولی دارند زیرا فعلهای لازم که مفعول نمی پذیرند نمی توانند صفت فاعلی داشته باشند .

البته گاهی اوقات در جمله بعد از یک فعل لازم ممکن است به یک مفعول برخورد کنیم . مثلاً :

I go with him .

در چنین حالتی باید دانست که go فعل لازم است و مفعول نمی پذیرد و him مفعول go نیست بلکه بخاطر حرف اضافه with شکل مفعولی گرفته .

## مصدر مجهول

تا کنون مصدرهای مختلفی را یاد گرفتیم مثل مصدر ساده - استمراری - کامل نوع دیگری از مصدر وجود دارد که مصدر مجهول است و ساختمان آن بدین شکل است :

To be + p p

در جمله های مجهول فعل to be و p.p فعل حضور دارند .

## طریقه تبدیل یک جمله معلوم به مجهول

گاهی جمله ای مطرح می شود و خواسته می شود تا آنرا به مجهول تبدیل کنیم . برای مجهول کردن یک جمله مثل :

He tells her.

باید مراحل زیر را طی کرد :

الف ) ابتدا باید دید که آیا فعل جمله معلوم، متعدی است یا لازم زیرا اگر فعل لازم باشد قابل تبدیل به مجهول نیست .

ب ) مفعول جمله معلوم را به ابتدای جمله مجهول منتقل کرده به صورت Subject sufferer در می آوریم

He tells her.

She -----.

ج) فاعل جمله معلوم را به انتهای جمله مجهول منتقل کرده بعد از **by** بکار می‌بریم در صورتیکه ضمیر باشد به شکل مفعولی خواهد بود.

**He** tells her.

She ----- **by him**.

د) فعل اصلی جمله معلوم را به صورت **p . p** در جمله مجهول بکار می‌بریم به صورت

He **tells** her.

She ----- **told** by him.

هـ) فعل **to be** را متناسب با زمان جمله معلوم قبل از **p . p** در جمله مجهول بکار می‌بریم.

He **tells** her.

She **is told** by him.



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- این ظرفها باید تا ساعت 5 روی قفسه چیده شود.
- 2- او می‌تواند فوراً در این اداره استخدام شود.
- 3- باید به مدیر قبلاً اطلاع داده می‌شد.
- 4- آن ماشین باید تا حالا فروخته شده باشد.
- 5- فکر می‌کنم که آن خانه بوسیله بمب ویران شده باشد.
- 6- آقای براون پارسال از آن اداره اخراج شد.
- 7- دستگیره این در بوسیله آن بچه شکسته شده است.

- 8- این کفشها پارسال دوخته شده اند .
- 9- این اتاق هم باید امروز رنگ شود .
- 10- بچه ها هر روز توسط آن زن به مدرسه برده می شوند .



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- آن خبر دیشب از رادیو پخش شد .
- 2- آیا آن بیمار توسط آن پزشک جراحی شده است .
- 3- آمریکا در سال 1694 کشف شد .
- 4- فکر می کنم این ساختمان دو سال پیش ساخته شده است .
- 5- به من گفته شد که تو نخواهی آمد .
- 6- بچه ها از میان آتش به بیرون از ساختمان برده شده بودند .
- 7- آن نامه بوسیله مستخدم دیروز بعد از ظهر پست شد .
- 8- آن خانه به قیمت 80 میلیون تومان فروخته شده است .
- 9- کارتها بوسیله آقای براون متقش خواهد شد .



## زمان هایی که قابل تبدیل به مجهول هستند

1- زمان حال ساده:

Helen **tells** Bob → Bob **is told** by Helen.

2- زمان گذشته ساده:

Helene **told** Bob → Bob **was told** by Helen.

3- زمان آینده ساده:

Helen **will tell** Bob → Bob **will be told** by Helen.

4- زمان حال استمراری:

Helen **is telling** Bob → Bob **is being told** by Helen.

5- زمان گذشته استمراری:

Helen **was telling** Bob → Bob **was being told** by Helen.

6- زمان حال کامل:

Helen **has told** Bob → Bob **has been told** by Helen.

7- زمان آینده کامل:

Helen **will have told** Bob → Bob **will have been told** by Helen.

8- زمان گذشته کامل:

Helen **had told** Bob → Bob **had been told** by Helen.

از بین 16 زمان انگلیسی 4 زمان آینده استمراری، حال کامل استمراری، آینده کامل استمراری و گذشته کامل استمراری قابل استفاده در حالت مجهول نیستند.

## تبدیل یک جمله سئوالی معلوم به سئوالی مجهول

Did Hellen **study** the book ?

برای تبدیل به جمله سئوالی معلوم مثل

به صورت مجهول : ابتدا جمله را به مجهول خبری تبدیل می کنیم که می شود

The book **was studied** by Hellen .

سپس جمله حاصل را به صورت سئوالی تبدیل می کنیم .

**Was** the book **studied** by Hellen?

## تبدیل یک جمله سئوالی معلوم که با کلمه پرسشی شروع شده باشد به مجهول

Where did Hellen take the book ?

برای تبدیل به جمله سئوالی معلوم مثل :

مجهول ابتدا جمله را صرف نظر از کلمه پرسشی تبدیل به سئوالی مجهول می کنیم.

Was the book taken by Helen.

سپس کلمه پرسشی را هر چه باشد البته به غیر از ( whom,who ) به ابتدای جمله مجهول منتقل می کنیم.

Where was the book taken by Helen?

البته who و whom در جملات مجهول شکل مخصوصی پیدا می کنند بدین صورت :

1- اگر جمله معلومی داشته باشیم که با کلمه پرسشی whom سئوالی شده باشد و بخواهیم آن را مجهول

کنیم طبق مراحل ابجد آن را مجهول می کنیم با توجه به این نکته که چون whom در جمله معلوم

مفعول را پرسیده در جمله مجهول شکل فاعل یعنی who پیدا می کند.

مثل :

**Whom** did Helen **invite**?

**Who** **was invited** by Helen?

و اگر جمله ای داشته باشیم که با کلمه پرسشی who شروع شده باشد مثل:

**Who** saw Helen?

و بخواهیم آن را مجهول کنیم باز هم برابر مراحل ابجد عمل می کنیم با این توجه که چون by whom در

آخر جمله معنی ندارد آنرا در ابتدای جمله مجهول به کار می بریم بدین صورت :

**By whom** was bob seen?



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- آیا تمام پول در بانک پس انداز شد.
- 2- آن پیغام باید دیروز فرستاده می شد.
- 3- ویزای پدرم دیروز توسط سفارتخانه تجدید شد.
- 4- این کت و شلوار به وسیله کدام خیاط دوخته شده است.
- 5- این اطاق باید به وسیله مادرم تمیز شده باشد.
- 6- آن کلمه همیشه به عنوان صفت استفاده می شود.
- 7- آیا از این باغ به عنوان خانه استفاده می شود.
- 8- آن فرشها کجا شسته شده بودند.
- 9- غذا به وسیله خانم براون پخته شده است.
- 10- چشمهایش چه ساعتی معاینه شدند.

### جای قیده‌ها در جملات مجهول :

1- قید تکرار: از قبل می‌دانیم که قید تکرار در جمله‌های معلوم قبل از فعل اصلی جمله به کار می‌رود مثلاً :

Helen **often** visits John.

در جمله‌های مجهول نیز قید تکرار قبل از فعل اصلی که به صورت p.p است به کار می‌رود.

John is **often** visited by Helen.

2- قید حالت : از قبل می‌دانیم که قید حالت در جمله معلوم بعد از مفعول به کار می‌رود. مثلاً :

Helen writes letters **carefully**.

در جمله‌های مجهول قید حالت قبل از فعل اصلی که به صورت p.p است به کار می‌رود بدین صورت :

The letters are **carefully** written by Helen.

2- **just** : از قبل می‌دانیم که **just** در کامل‌ها بعد از have یا had و قبل از p.p فعل اصلی به کار می‌رود.

مثلاً :

Helen has **just** written the letter.

در جمله مجهول **just** قبل از p.p فعل **be** و در واقع قبل از اولین p.p به کار می‌رود.

مثلاً :

The letter has **just** been written by Helen.



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را ابتدا ترجمه کنید و سپس آن جمله را مجهول کنید.

1- فکر می کنم که آن بچه این در را شکسته است.

2- آن لیوان شیر را همین الان برادر بزرگترم نوشید.

3- آیا پلیسها بالاخره آن جیب بر را دستگیر کردند؟

4- آنها ممکن است خانواده ما را هم دعوت کنند.

5- دکتر داشت چشمهای آن مریض را به دقت معاینه می کرد.

6- این پنجره را همین الان پدرم رنگ زده.

7- آن دو منشی نامه ها را آسانتر از این یکی تایپ می کنند.

8- آقای براون کارش را به طور کامل انجام نمی دهد.

9- آقای براون بچه هایش را خوب تربیت می کند.

10- دوستانم به فروشنده قبلاً گفته بودند.

### مجهول کردن جملاتی که دارای دو مفعول هستند.

در بعضی از جملات فعل می تواند دارای دو مفعول باشد که یکی مستقیماً کار را تحویل می گیرد و دیگری مفعول

غیر مستقیم که مستقیماً کار را تحویل نمی گیرد بلکه به واسطه مفعول مستقیم جنبه مفعول پیدا می کند.

I write the letter to him.

قابل ذکر است که در چنین جملات معمولاً مفعول مشخص، غیر مستقیم است و مفعول غیر مشخص مستقیم است

. برای مجهول کردن چنین جمله هایی می توان دو نوع مجهول داشت زیرا دو مفعول وجود دارد.

The letter is written to him by me.

He is written the letter by me.

مجهول کردن جمله هایی که فعل حسی و حرکتی دارند.

به یاد داریم که بعد از فعل های حسی و حرکتی ابتدا یک مفعول و بعد مصدر برهنه به کار می رفت .

I saw Helen play.

در جمله های مجهول چون مفعول از بین دو فعل بر می خیزد تا subject suffer شود بین دو فعل اصلی to مصدری لازم است.

Helen was seen to play.

همانطور که می بینیم فقط در جملات مجهول فعل حسی و حرکتی مصدر با to به کار می رود.

## مجهول کردن فعل امر :

برای مجهول کردن فعل امر از ترکیب زیر استفاده می شود:

**let + مفعول + be + p.p**

**Open the door → let the door be opened.**

## جملات سببی یا وجه سببی :

جملات سببی به جمله هایی گفته می شود که در آنها فاعل سبب می شود تا فاعل دیگری کاری را انجام دهد مثلاً  
من وادار می کنم و یا امیدوارم برادرم کفشها یم را واکس بزند.

ساختمان جمله های سببی در انگلیسی بدین صورت است.

مفعول اصلی + فعل اصلی (برهنه) + فاعل اصلی + **have** + فاعل مسبب

I **have** my brother **polish** my shoes.

و اگر فعل **get** استفاده شود فعل جمله سببی مصدر با **to** خواهد بود مثلاً :

مفعول اصلی + فعل اصلی **to** + فاعل اصلی + **get** + فاعل مسبب

I **get** my brother **to polish** my shoes.



## تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

1- بده یک پنجره آهنی برای این اتاق درست شود.

2- قصد دارم بدهم کارگرها این اتاق را دوباره بسازند.

3- او داده بود اتاقش را رنگ آبی بزنند.

- 4- باید بدهم کفش تخت کفشم را تعمیر کند.
- 5- او داده است یک در چوبی برای مغازه اش درست شود.
- 6- من می خواهم بدهم خانه ام تزئین شود.
- 7- من به اندازه کافی پول دارم که بدهم باغچه ام درست شود.
- 8- هلن می خواست بدهد یک در چوبی درست شود.
- 9- من قرار است آن مرد را وادار کنم که برفهای آن پشت بام را پارو کند.
- 10- تو باید بدهی مأمور فنی همه این چراغها را تعمیر کند.

### مجهول جملات سببی

برای مجهول کردن جملات سببی از ترکیب زیر استفاده می شود.

**p.p فعل اصلی + مفعول اصلی + have/get + فاعل سبب**

I have my shoes polished.



## نقل قول reported speech

نقل یعنی بیان کردن و قول یعنی سخن پس نقل قول یعنی بیان کردن سخن کس دیگر برای بیان کردن سخن یا گفته یک گوینده دو طریق وجود دارد یک طریقه مستقیم و یک طریقه غیر مستقیم.

### 1. نقل قول مستقیم ( direct speech )

اگر حرفهای گوینده ای را بدون دخل و تصرف برای کس دیگری مستقیماً نقل کنیم آن را به روش مستقیم نقل می‌کنیم در این حالت جمله گوینده می‌تواند یکی از چهار نوع جمله زیر باشد.

Helen says, "I live in Tehran". 1- جمله خبری مثل :

Helen says, "where do you live?" 2- جمله سؤالی مثل :

Helen says, "open the window". 3- جمله امری است :

Helen says, "what a nice car it is" 4- جمله تعجبی است :

می‌توان فعل گزارش گر و فاعل آنرا در انتهای نقل قول مستقیم به کار برد به این صورت :

"I live in Tehran," Helen says.

"Where do you live?" Helen says.

"Open the window," Helen says.

"What a nice car it is!" Helen says.

حتی میتوان در این حالت فعل را بر فاعل مقدم کرد البته به شرط اینکه فاعل ضمیر باشد نه اسم مثلاً :

"I live in Tehran," Says she.

## نقل قول غیر مستقیم Indirect speech

اگر در سخن یا گفته گوینده ای دخل و تصرف شود نقل قول به طریقه غیر مستقیم انجام شده . معمولاً یک جمله

نقل قول مستقیم می شود و می خواهند آن را تبدیل به نقل قول غیر مستقیم که قوانین آن بدین شرح است:

### تبدیل یک نقل قول مستقیم خبری به غیر مستقیم .

اگر لازم شود یک جمله مستقیم خبری مثل جمله زیر را به نقل قول غیر مستقیم تبدیل کنیم :

Helen said, "I live in Tehran."

باید قواعد و مراحل زیر را طی کرد.

الف) حذف comma و کوتیشن مارک و انتخاب رابط صحیح ( که در نقل خبری that خواهد بود ) بدین

صورت :

Helen said that ...

ب) تغییر ضمایر و صفات ملکی به تناسب :

Helen said that she ...

ج) اجرای تطابق زمان به شرطی که فعل گزارش گر گذشته باشد بدین صورت :

Helen said that she lived in Tehran.

د) تغییر بعضی از اصطلاحات زمان و مکان و صفات اشاره و بعضی از فعلها به شرطی که فعل گزارشگر گذشته

باشد.

توضیح : در مورد اجرای تطابق زمان در نقل قول غیر مستقیم 12 زمان انگلیسی به صورتهای زیر به کار می روند:

1) زمان حال ساده تبدیل به گذشته ساده می شود. مثلاً:

Helen said to bob, "I **know** your father".

Helen told Bob that she **knew** his father.

2) زمان حال استمراری تبدیل به گذشته استمراری می شود. مثلاً:

My father said to me, "I **am listening** to you."

My father told me that he **was listening** to me.

(3) زمان حال کامل تبدیل به گذشته کامل می شود. مثلاً:

The boy said to the girl, "I **haven't seen** your book."

The boy told the girl that he **hadn't seen** her book.

(4) زمان حال کامل استمراری تبدیل به گذشته کامل استمراری. مثلاً:

My friend said, "I **have been living** here for ten years."

My friend said that he **had been living** here for ten years.

(5) زمان آینده ساده تبدیل به گذشته ساده می شود. مثلاً:

The man said to the woman, "I **will see** you."

The man told the woman that he **would see** her.

(6) زمان آینده استمراری تبدیل به گذشته استمراری می شود. مثلاً:

Ahmad said, "I **will be working** on Friday."

Ahmad said that he **would be working** on Friday morning.

(7) زمان آینده کامل تبدیل به گذشته کامل می شود. مثلاً:

Bob said, "I **will have finished** the book on April."

Bob said that he **would have finished** the book on April.

(8) زمان آینده کامل استمراری تبدیل به گذشته کامل استمراری می شود. مثلاً:

Bob said, "I **will have been studying** for two years by April."

Bob said that he **would have been studying** for two years by April.

(9) زمان گذشته ساده تبدیل به زمان گذشته کامل می شود. مثلاً:

My father said to me, "I **saw** your umbrella."

My father told me that he **had seen** my umbrella.

یاد آوری: می توان در نقل قول غیر مستقیم زمان گذشته ساده را به همان صورت گذشته نگه داشت و تبدیل به گذشته کامل نکرد. مثلاً:

My father told me that he **saw** my umbrella.

10) زمان گذشته استمراری تبدیل به گذشته کامل استمراری می شود. مثلاً:

Bob said, "I **was listening** to the music."

Bob said that he **had been listening** to music.

نکته: دو زمان گذشته کامل و گذشته کامل استمراری در نقل قول غیر مستقیم تغییر نمی کند و به همان صورت باقی می ماند. مثلاً:

The woman said, "I **had left** home."

The woman said that she **had left** home.

Bob said, "I **had been playing** for two hours."

Bob said that he **had been playing** for two hours.

## فعل گزارشگر در نقل قول خبری

در صورتی که در قسمت فعل گزارشگر ( reporting tag ) مفعول وجود داشته باشد ، در نقل قول مستقیم می توان به دلخواه از say to یا tell استفاده کرد. مثلاً:

Helen said to/told Bob, "I know your father."

اما در نقل قول غیر مستقیم خبری say to بکار نمی رود بلکه از tell استفاده می شود. مثلاً:

Helen told Bob that she knew his father

## « تبدیل یک نقل قول مستقیم سئوالی به غیر مستقیم »

برای تبدیل یک نقل قول مستقیم سئوالی مانند جمله زیر به غیر مستقیم:

Helen said to me, “where do you live?”

مراحل ذکر شده ( ابجد ) را طی می کنیم با این تفاوت که کلمه ربط در چنین جملاتی خود کلمات wh هستند

بدین صورت :

Helen asked me **where** I lived.



### تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را ابتدا ترجمه کنید بعد آنها را به نقل قول مستقیم تبدیل کنید .

- 1- فروشنده به مشتری گفت که چند کیلو چای می خواهد .
- 2- مرد از همسرش پرسید که کلاهش را کجا دیده است.
- 3- معلم به محصل ها گفت که پنج شنبه درس 2 را از آنها خواهد پرسید.
- 4- آقای براون به من گفت که ممکن است در آن جلسه شرکت کند.
- 5- سوزان به دوستانش گفت که آن فیلم را دوست ندارد.
- 6- آنها از ما پرسیدند که در کدام خانه زندگی می کنیم .
- 7- شاگرد از معلمش پرسید که چه ساعتی باید در کلاس باشد .
- 8- مدیر به منشی گفت که نمی تواند ساعت 5 به او تلفن بزند .
- 9- ما از همسایه مان پرسیدیم که در را چطور باز کرده است .
- 10- بچه ها به من گفتند که آن شیشه را نشکسته اند .

طریقه تبدیل نقل قول مستقیم سئوالی که با کلمه پرسشی شروع نشده به غیر مستقیم:

طریقه تبدیل یک قول مستقیم سئوالی مثل جمله زیر به صورت غیر مستقیم.

Helen said to Bob, "do you live in Tehran?"

مراحل ذکر شده ابجد را طی می کنیم با این تفاوت که کلمه ربط در چنین جمله هایی if و whether هر دو به

معنی ( که آیا ) است مثلاً:

Helen asked Bob if he lived in Tehran.

فعل ناقل یا گزارشگر نیز در چنین جمله هایی به علت سئوالی بودن جمله ask می شود همچنین باید دانست که

بعد از if و whether جمله به صورت سئوالی به کار نمی رود بلکه خبری است.

تبدیل نقل قول مستقیم امری به غیر مستقیم:

برای تبدیل یک نقل قول مستقیم امری مانند جمله زیر به شکل غیر مستقیم:

Helen said to Bob, "**open** the door."

مراحل ذکر شده قبل را طی می کنیم با این تفاوت که در چنین نقل قولهایی کلمه رابط (to) و در صورتی که فعل

امر منفی باشد ( not to ) خواهد بود مثلاً:

Helen told Bob **to open** the door.

Helen said to Bob, "**don't open** the door."

Helen told Bob **not to open** the door.

در صورتیکه در نقل قول مستقیم علاوه بر فعل امر یک جمله یا دو جمله یا چند جمله دیگر نیز پیروی کرده باشند

مثلاً:

Helen said to Bob, "**open** the door before you come in."

در این حالت در جمله غیر مستقیم فقط فعل امر با to ربط پیدا می کند و جمله های پیرو مشمول تطابق زمان می

شود بدین صورت:

Helen told Bob **to open** the door before he comes in.



## تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- من قصد داشتم بدهم موتور ماشینم بازدید شود اما وقت کافی پیدا نکردم.
  - 2- او گفت که می خواهد بدهد خانه اش تزئین شود.
  - 3- بده کفشهای برق انداخته شود و موهایت کوتاه شود.
  - 4- او باید قبل از عروسی بدهد کت و شلوارش اطو شود.
  - 5- ما مجبور خواهیم بود که بدهیم ماشینهایمان را رنگ بزنند.
- جملات زیر را ابتدا ترجمه کنید و بعد به نقل قول مستقیم تبدیل کنید.
- 1- قاضی از مرد پرسید که آن تصادف را در چه ساعتی دیده است.
  - 2- پلیس به دزد گفت که دستهایش را بالا ببرد و رو به دیوار بایستد.
  - 3- فرمانده به سربازها دستور داد که بعد از اینکه به رودخانه رسیدند چادرها را برپا کنند.
  - 4- ما به دوستانمان گفتیم که در خیابان شلوغ فوتبال بازی نکنند.
  - 5- معلم از شاگردها پرسید که آیا همه تکالیف را انجام داده اند؟

## تغییر اصطلاحات زمان و مکان در نقل قول غیر مستقیم :

به شرط اینکه زمان و مکان گزارش دهنده با زمان و مکان گوینده قول مستقیم تغییر کرده باشد بعضی از اصطلاحات زمان و مکان و صفات اشاره به صورت زیر تغییر می کند.

next + قید زمان → {  
The following + قید زمان  
The next + قید زمان  
The + قید زمان + after

last + قید زمان → {  
The + قید زمان + before  
The + previous + قید زمان

today → that day  
tonight → that night  
now → then  
here → there  
come → go  
this → that

Helen said to Bob, "I **will meet** you **next week**."

Helen told Bob that she **would meet** him **the next week**.



## طریقه تبدیل نقل قول مستقیم تعجبی به غیر مستقیم :

قبل از اینکه در مورد نقل قول چنین جملاتی بحث شود لازم است ابتدا یاد بگیریم که جملات تعجبی چگونه بیان

می شوند. جمله تعجبی یا برای تعجب از اسم به کار می رود که الگوی آن بدین صورت است:

What a nice car it is!

**! فعل + ضمیر / اسم + اسم + صفت + what + a/an**

و یا برای تعجب از فعل و انجام کاری بیان می شود که الگوی آن بدین شکل است :

**! فعل + ضمیر / اسم + قید + how**

How slowly she drives!

برای تبدیل یک نقل قول مستقیم تعجبی مثل این جمله

Helen said, "how slowly the man works!"

مراحل ذکر شده ابجد را طی می کنیم با این تفاوت که کلمه ربط در چنین جملاتی با what و یا how خواهد بود

Helen exclaimed how slowly the man worked.

## اسم مصدر ( gerund )

اسم مصدر در انگلیسی اسمی است که از فعل مشتق شده است و ساختمان آن بدین صورت است که به آخر هر فعل ing اضافه شود به اسم مصدر تبدیل می شود.

|            |               |                 |
|------------|---------------|-----------------|
| زندگی کردن | live → living | زنده            |
| بودن       | be → being    | بود، هستی، وجود |

کاربردهای اسم مصدر در انگلیسی عبارتند از :

1- هر گاه لازم شود بعد از حرف اضافه فعل به کار رود باید اسم مصدر باشد نه مصدر با to . دلیل آن نیز این است که حرف اضافه همیشه قبل از اسم است مثلاً :

After locking the door, I left home.

She is afraid of telling lies.

2- هر گاه لازم شود جمله ای با مصدر شروع شود چون نمی توان مصدر با to را به عنوان فاعل جمله به

کار برد آنرا تبدیل به اسم مصدر می کنیم:

~~To swim~~ here is enjoyable.

**Swimming** here is enjoyable.

3- بعد از افعال مشخص در انگلیسی اگر فعل به کار رود باید تبدیل به اسم مصدر شود:

|            |             |        |                             |
|------------|-------------|--------|-----------------------------|
| avoid      | اجتناب کردن | defer  | به تعویق انداختن – لغو کردن |
| appreciate | تحسین کردن  | delay  | به تأخیر انداختن            |
| admit      | پذیرفتن     | advise | نصیحت کردن                  |
| discuss    | بحث کردن    | detest | تنفر داشتن                  |
| consider   | بررسی کردن  | enjoy  | لذت بردن                    |
| can't help | چاره نداشتن | finish | تمام کردن                   |

|          |              |            |                |
|----------|--------------|------------|----------------|
| deny     | انکار کردن   | forgive    | عفو کردن       |
| forbid   | قدغن کردن    | include    | شامل شدن       |
| imagine  | تصور کردن    | keep       | ادامه دادن     |
| mention  | یادآوری کردن | oppose     | مخالفت کردن    |
| mind     | اهمیت دادن   | quit       | ترک کردن       |
| postpone | لغو کردن     | risk       | به خطر انداختن |
| practice | تمرین کردن   | remember   | به خاطر سپردن  |
| resume   | از سر گرفتن  | stop       | دست کشیدن      |
| suggest  | پیشنهاد کردن | tolerate   | تحمل کردن      |
|          |              | understand | فهمیدن         |

I enjoy reading the newspaper.

**نکته مهم :** چون اسم مصدر جنبه اسم دارد پس می تواند بعد از صفت ملکی یا حتی (s) به کار رود مثلاً :

I appreciate her speaking.

I appreciate Helen's speaking.



**تمرین جملات فارسی :**

جملات زیر را ترجمه نموده و بعد آنها را به مجهول تبدیل کنید :

- 1- فکر می کنم آن بچه آن در را شکسته است.
- 2- مدیر دیروز آقای براون را از این اداره منتقل کرد.
- 3- او کیفش را پشت در گذاشته بود.
- 4- دکتر دارد چشم بچه را معالجه می کند.
- 5- قصد دارم بدهم یک در چوبی نجار برای این اطاق درست کند.



### تمرین جملات فارسی :

- جملات زیر را ترجمه کنید و آنها را به نقل قول مستقیم تبدیل کنید.
- 1- فروشنده از مشتری پرسید که کدام پیراهن را دوست دارد انتخاب کند.
  - 2- معلم از شاگردان پرسید که چرا آن دیالوگ را حفظ نکرده اند.
  - 3- مرد از آن بچه پرسید که آیا آن آدرس را می داند.
  - 4- او به دوستش گفت ممکن است روز جمعه به باشگاه برود.
  - 5- آقای براون به همسرش گفت که برای نهار تاس کباب درست کند.

باید دانست که : چون بعد از این فعلها اسم مصدر به کار می رود گاهی لازم می شود قبل از آن اسم یک صفت ملکی و یا یک اسم دیگر با (s') به کار می رود.

**I appreciate her working.**  
**I appreciate Helen's working.**

فعلهایی که می توان بعد از آنها اسم مصدر به کار برد و هم مصدر با **to**:

تعدادی از افعال انگلیسی مثل **prefer** و **start** و **plan** می توانند هم با اسم مصدر به کار روند هم با مصدر با **to**

که در معنی اشان تغییری پیدا نمی شود. مثال:

**Helen prefers to go.**

**Helen prefers going.**

اما دو فعل **stop** , **remember** نسبت به شکل فعلی که بعدشان به کار میرود معانیشان فرق می کند به این

صورت:

الف) اگر بعد از **stop** اسم مصدر به کار رود معنی جمله اینست که فاعل از کار بعد از **stop** دست کشیده یا می

کشد یا خواهد کشید. مثلاً:

من از صحبت کردن با مرد دست می کشم.

**I stop speaking to the man.**

اما اگر بعد از **stop** مصدر با **to** به کار رود معنی جمله این است که فاعل از کار قبل دست برداشته یا بر می دارد،

یا خواهد برداشت تا کار بعد از **stop** را شروع کند.

من ایستادم تا با مرد صحبت کنم .

**I stopped to speak to the man.**

ب) اگر بعد از **remember** اسم مصدر به کار رود معنی جمله این است که فاعل کار بعد از **remember** را به

صورت تصویری از گذشته در وجود به ظاهر می آورد.

هلن بستن در را به یاد می آورد.

**Helen remembers locking the door.**

اما اگر بعد از **remember** مصدر با **to** به کار رود معنی جمله این است که فاعل یادش می ماند که کار بعد از

**remember** را انجام دهد و آن را فراموش نمی کند. در واقع این **remember** مترادف با ( **not forget** ) است

مثلاً:

هلن یادش می ماند که در را قفل کند .

**Helen remembers to lock the door.**

بحث دیگر :

اگر در این حالت در دو جمله متوالی فاعل واحدی دو فعل را همزمان انجام نداده باشند بلکه بین فعل جمله اول و فعل جمله دوم یک فاصله زمانی وجود داشته باشد مثلاً:  
she parked the car. She went shopping.

در این حالت برای پیوند دو جمله فعل جمله اول را تبدیل به صفت فاعلی کامل می کنیم . (Present

perfect) که ساختمان آن بدین شکل است:

**Have + ing + p.p**

مثال:

( after ) having parked the car, she went shopping.

پایان